

فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان

غلامرضا ذاکر صالحی

پس از فراگیر شدن موج سوم مهاجرت نخبگان در ایران، از سال ۱۳۷۶ به بعد موضوع توسعه سرمایه انسانی نخبه و پیشگیری از مهاجرت نخبگان مورد توجه پژوهشگران، نویسندگان و مدیران جامعه ما قرار گرفت. این مقاله پس از طرح چهارده رویکرد نظری مرتبط با موضوع نخبگان، تلاش دارد از طریق فراتحلیل کیفی^۱ مطالعات انجام شده در داخل کشور، به نظریه مشترک و بنیادین آنها دست پیدا کند.

پژوهش حاضر ضمن نیل به نظریه جاذبه -دافعه در فرآیند مطالعه اکتشافی خود تلاش می‌کند راهکارهای سازگار با این نظریه را به منظور جذب و نگهداشت سرمایه انسانی نخبه ارائه نماید.

همچنین در این مقاله اطلاعات توصیفی کاملی در قالب ده مؤلفه روش‌شناسی مربوط به آثار علمی مورد مطالعه و چهار مؤلفه محتوایی آنها ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: فراتحلیل، مهاجرت نخبگان، سرمایه انسانی نخبه، فرار مغزها، نظریه جاذبه -دافعه.

طرح مسئله

موضوع نخبگان و بهره‌برداری از سرمایه انسانی آنان موضوعی پیچیده و چندوجهی است. این موضوع به دلایل زیر ابعاد مهمی پیدا کرده و به یک موضوع علمی پژوهشی تبدیل شده است: مبحث جذب نخبگان و کم و کیف بهره‌مندی از خدمات آنان تحت تأثیر حجم فراوانی از

1. qualitative meta-analysis

مؤلفه‌های در هم تنیده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. از آن‌جا که نخبگان کنشگرانی آگاه و هوشمندند، موضوعات مربوط به رفتار و کنش آنان موضوعاتی پیچیده است. جذب یا عدم جذب نخبگان در نظام اجتماعی دارای اثرات و پیامدهای مهمی است. این اثرات و پیامدها هم نظام علم و فناوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم کل ساختار نظام اجتماعی را متأثر می‌کند.

برای کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران، که در مرحله رشد و خیز اقتصادی قرار دارند، نیاز به توسعه منابع انسانی نخبه و به‌کارگیری متخصصان علمی و فنی نیاز حیاتی و مضاعف است.

طبق آمارهای منتشر شده در ایالات متحد آمریکا درباره گسترده‌ی مهاجرت نخبگان به کشورهای عضو OECD، ایران، کره جنوبی و فیلیپین وضعیتی قابل تأمل دارند. براساس این گزارش، جمعیتی از ایرانیان که دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و در کشورهای عضو OECD مقیم هستند، ۲۵ درصد کل افراد دارای تحصیلات عالی هستند که در داخل ایران زندگی می‌کنند (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۵). به نظر برخی پژوهشگران، شمار متخصصان ایرانی که در کشورهای خارجی مقیم بوده و در مراکز علمی و پژوهشی آن‌ها مشغول کار هستند (حداقل در برخی رشته‌ها) به دو برابر متخصصان (همان رشته) در داخل کشور می‌رسد. برای نمونه در رشته فیزیک، حدود ۴۰۰ فیزیکدان ایرانی در خارج از کشور به سر می‌برند که این رقم بیش از فیزیک‌دانان داخل ایران است (منصوری، ۱۳۷۳: ۶۵).

مطابق آمارهای بین‌المللی، موج مهاجرت نخبگان ایرانی به کشورهای اروپایی، ایالات متحد آمریکا و اخیراً کشورهای حاشیه خلیج فارس هنوز مهار نشده است. مشکل مهم‌تر این است که سامانه مشخص آماری - اطلاعاتی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در زمینه حفظ و جذب نیروی انسانی نخبه موجود نیست.

با توجه به موارد یاد شده در بالا، ضرورت انجام دادن یک مطالعه جامع‌نگر که بتواند راهکارهای فراگیری را ارائه نماید احساس می‌شود. این مطالعه می‌تواند لزوماً مطالعه موازی دیگری نبوده بلکه با تلفیق مطالعات و تجارب انجام شده نکات مهم و اساسی و ایده‌های کاربردی را استخراج و در قالب مجموعه‌ای هماهنگ ارائه نماید.

نظریه‌های توضیح‌دهنده جذب: نگاه‌داشت و مهاجرت نخبگان

در ارتباط با موضوع جذب و نگاه‌داشت نخبگان و مهاجرت آنان نظریه‌های مختلفی ارائه شده است هر یک از این نظریات تنها می‌تواند بخشی از ابعاد موضوع را توضیح داده و تبیین

نماید. ارائه این نظریات در کنار یکدیگر می‌تواند امکان تلفیق و ترکیب عناصر و مفاهیم سازگار آنان را فراهم نموده ما را در دستیابی به یک نظریه جامع‌تر یاری رساند. شایان توضیح است که برخی از نظریه‌های موجود حاصل تجارب مشخص اجتماعی است و ممکن است قابل‌تعمیم نباشد. بعضی از این آموزه‌ها، موضوع جذب و نگهداشت و برخی موضوع مهاجرت نخبگان را تبیین نموده‌اند.

۱. نظریه سرمایه انسانی

این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی متخصص برای دستاوردهای بهتر، از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد (از سازمانی به سازمانی یا از کشوری به کشوری دیگر). بنابراین تصمیم‌گیری افراد متخصص به کوچ، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود. (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۸).

۲. نظریه سرمایه اجتماعی

منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند. براساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه‌ی بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد، به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. پیوندهای شبکه‌ای نیز می‌بایست از نوع خاصی باشند یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

سرمایه اجتماعی دارای دو جزء است: پیوندهای عینی و پیوندهای ذهنی بین افراد. لذا می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد^۱ و پیوند^۲ است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۳). نخبگان به عنوان بخشی از جامعه که بیشترین میزان مشارکت اجتماعی را دارند به دلیل شرایط شغلی و حرفه‌ای خود نیازمند این دو عنصر کلیدی یعنی اعتماد و پیوندهای اجتماعی هستند. مطالعات مرتبط در ایران نشان داده است که سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در حال فرسایش بوده و این فرسایش در ارتباط با تحصیل‌کردگان و متخصصان جامعه بیشتر بوده است (مرجایی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

1. trust

2. association

۳. نظریه انتقال معکوس فناوری

نگرش دیگر تلقی فرار مغزها به مثابه «انتقال معکوس فناوری»^۱ است. تحلیل‌گران آنکتاد (کنفرانس بازرگانی و توسعه‌ی سازمان ملل متحد) در سال ۱۹۷۴ قضیه فرار مغزها را به صورت پارادایم «انتقال معکوس فناوری» بازشناسی کردند. روشن است که منظور کارشناسان سازمان ملل متحد این است که کشورهای پیشرفته صنعتی در برابر دستگاه‌های ماشینی و کالاهای فنی که به کشورهای جهان سوم می‌فروشند، گرانباترین پاداشی که به دست می‌آورند مغزهای پرورده و نیروهای ماهر این کشورها است (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۹).

۴. نظریه دوگانگی ساختار

تبیین تازه‌ای که گروهی از صاحب‌نظران ارائه داده‌اند، دنباله‌روی از نظریه «دوگانگی ساختار»^۲ آنتونی گیدنز و استفاده از آن در تبیین مهاجرت بین‌المللی و فرار مغزهاست. وی چنین می‌اندیشد که ساختارهای کلان اجتماعی در شکل دادن عمل کارگزاری انسانی تأثیر دارد و کارگزار انسانی در ساختن جامعه به عنوان گسترده‌ترین ساختار اجتماعی مؤثر است. چکیده نظر گیدنز عبارت است از:

حیطه کارگزار انسانی مرزبندی شده است. انسان‌ها جامعه را می‌سازند. اما به عنوان کنشگران واقع در تاریخ عمل می‌کنند و شرایطی که بر آن‌ها احاطه دارد گزینش خود آن‌ها نیست. ساختارها را نباید فقط موانعی در راه کارگزار انسانی تصور کرد، بلکه یاری‌دهنده هم هستند. این همان است که من آن را دوگانگی ساختار می‌نامم. ساختارها را همواره می‌توان بر حسب شکل‌گیری‌شان، به عنوان مجموعه اعمال بازتولید شده بررسی کرد. کند و کاو درباره ساختن شدن و شکل‌گیری اعمال اجتماعی عبارت از کوشش در تشریح شکل‌گیری ساختارها از طریق کنش و چگونگی شکل‌گیری متقابل کنش به‌طور ساختاری است. افراد به عنوان کنشگران آگاه عمل می‌کنند. به دنبال درک و آگاهی کارگزاران انسانی شبکه ساختاری مهاجرت به عنوان کارگزاری انسانی شکل می‌گیرد و به این ترتیب خصوصیت دوگانگی ساختار آشکار می‌گردد (ارشاد، ۱۳۸۰: ۵۰).

۵. نظریه محرومیت نسبی

منگالام و شوارز ولر معتقدند که مهاجران براساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های با

1. Revers transfer Technology

2. duality of structure

ارزش برای مهاجرت تصمیم می‌گیرند. وقتی وضعیت اجتماعی موجود نتواند نیازهای فرد را در حداقل مقدار برآورده کند، افراد فکر حرکت به مکان‌های دیگر را در سر می‌پروارند. به جاهایی که به نظر آنان شانس بهتری برای برآوردن نیازهای برآورده نشده و رفع محرومیت محسوس خود خواهند داشت (لهسای زاده، ۱۳۶۸).

۶. نظریه مرکز - پیرامون

طبق این نظریه، مهاجرت معلول ماهیت و ساختار در حال گسترش بازار جهانی است. این امر نتیجه طبیعی جدایی و جابه‌جایی است که به‌طور اجتناب‌ناپذیری در فرآیند توسعه سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد. ریشه این پدیده به نوعی مرتبط با ناموزونی در انباشت سرمایه و درجه توسعه است.

۷. نظریه بازار کار دوگانه^۱

این دیدگاه مهاجرت‌های بین‌المللی را ناشی از تقاضای درونی نیروی کار در جوامع نوین صنعتی می‌داند. پیور یکی از مدافعان این نظریه است. او استدلال می‌کند که مهاجرت بین‌المللی به وسیله تقاضای دائمی برای نیروی کار مهاجر ایجاد می‌شود، که با ساختار اقتصادی ملت‌های توسعه‌یافته در ارتباط است. طبق نظر پیور، مهاجرت به وسیله عامل فشار موجود در کشورهای فرستنده ایجاد نمی‌شود. بلکه عوامل کشش موجود در کشورهای پذیرنده (نیازهای مزمین و گریزناپذیر به نیروی کارگران خارجی) موجود آن است (مسی، ۱۳۶۴: ۹۴، ۱۹۹۵: Smith)

۸. نظریه تحصیل مغزها^۲

مرسی براون و می‌یر معتقدند که مهاجرت متخصصان ممکن است به معنی سرمایه‌گذاری بالقوه باشد و نه از دست دادن آن‌ها. مهندسان و دانشمندی که به خارج مهاجرت می‌کنند به عنوان منابع انسانی آموزش‌دیده در فعالیت حرفه‌ای و در شرایط بهتر از آنچه در کشور مبدأ به آن‌ها ارائه می‌شده مشغول می‌شوند. اگر کشور مبدأ بتواند از این منابع که به وسیله سرمایه‌گذاری‌های دیگران شکل گرفته و کامل شده استفاده کند، نسبت به قبل، چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد (Meyer & Mercy, ۱۹۹۹: ۳). نظریه چرخه مغزها به این نظریه نزدیک

1. dual labour market

2. brain-grain

است و از معتقدان به این نظریه ساکسنین^۱ می‌باشد. او معتقد است که در این مهاجرت‌ها، به جای تخلیه اقتصاد بومی از مهارت‌ها و منابع انسانی، مهاجران با کسب تجارب ارزشمند و دانش‌افزایی آن‌ها را به کشور خود برمی‌گردانند و مورد استفاده قرار می‌دهند (Saxenian, 2000: 3). بنابراین با نوعی تحصیل و بازیافت مجدد مغزها مواجه می‌شویم که بیانگر وجه مثبت مهاجرت مغزهاست.

۹. نظریه شکار مغزها^۲

مطالعات متفکران روسی به نام‌های آواکف و گاوریلوکف که از قدیمی‌ترین مطالعات در این زمینه محسوب می‌شود (مربوط به شوروی سابق) عمدتاً بر نقش استعمار نو در تبیین پدیده مهاجرت مغزها تأکید می‌کند. به همین دلیل در روسیه از اصطلاح شکار مغزها به جای فرار مغزها و در شکل افراطی آن از تعبیری همچون سرقت مغزها و قاچاق سلول‌های خاکستری استفاده می‌شود. در این تحلیل براساس نوع مناسبات تولیدی کشورها و نظریه‌های مربوط به توسعه نظام‌های اقتصادی و اجتماعی در قالب سرمایه‌داری و در اوج خود، امپریالیسم، عوامل برون‌زای خروج نیروهای متخصص، محوریت بیشتری می‌یابد. به طوری که فشار استعمار نو، مداخله‌های امپریالیستی، کودتاهای برون‌زا، چرخش‌ها و دگرگونی‌های غیرمنتظره ناشی از روابط داخلی قدرت و... همه از زمره عوامل بی‌ثباتی سیاسی به‌شمار می‌روند که روشنفکر و فعالیت او را مختل می‌کند. چنان‌که وی با روی آوردن به کار در کشورهای امپریالیستی احساس امنیت نسبی بیشتر می‌کند (Vas Zoltan, 1970:52).

۱۰. نظریه اجتماعات پژوهشی

این نظریه بیان می‌کند که دانش در یک فرآیند گروهی با شکل‌گیری مناسبات منحصر به فرد خلق و تولید می‌شود. این مناسبات از آن‌جا که در پیوند با مجموعه‌های انسانی و تکنولوژیک خاص متولد می‌شوند، موجب می‌شود اجتماعات پژوهشی^۳ قابل مشابه‌سازی نباشند. لذا پژوهشگران در صورت فقدان شکل‌گیری این مناسبات به سمت فضاها و مجامع علمی بیرون کشانده می‌شوند تا هویت خود را حفظ کرده و استمرار بخشند (ذاکرسالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۴). از این اجتماعات برخی به دانشکده نامریبی و برخی دیگر به جوامع اجتماعی-شناختی تعبیر کرده‌اند (Meyer & Mercy, 1999:3).

1. Sexenain

2. hunting for brain

3. research communities

۱۱. جهانی شدن

این نظریه بیان می‌کند که حرکت خصیصه جوامع انسانی است. روند جهانی شدن مشتمل بر سه حرکت درآمدن آزاد سرمایه، اطلاعات، کالا و نیروی کار و تحول در مکانیزم این حرکت‌هاست.

۱۲. نظریه نظام آموزش اقتباسی

نراقی نخستین علت فرار مغزها از کشورهای در حال رشد را به مشکلات نظام آموزشی آن‌ها به ویژه اقتباس یک طرفه از غرب مربوط می‌داند (نراقی، ۱۳۵۶: ۲۴۳).

۱۳. نظریه بحران منزلتی

این رویکرد یک رویکرد فرهنگی-اجتماعی به مقوله مهاجرت نخبگان است. تصمیم به مهاجرت در این رویکرد محصول نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی^۱ خود در جامعه است. منزلت اجتماعی نیز دارای دو جنبه است: الف. جنبه عینی که به رفاه و معیشت و سبک زندگی و میزان برخورداری آن‌ها از مواهب و مزایای اجتماعی مربوط می‌شود. ب. جنبه‌های ذهنی و ادراکی که به برداشت نخبگان و جامعه از شأن و منزلت و جایگاه آنان برمی‌گردد و به این مقوله حالت نسبی می‌دهد.

چنانچه از نظر شاخص‌های عینی، این گروه واقعاً در رفاه نباشند و منزلت و جایگاه واقعی و در خور شأن نداشته باشند و نگرش و برداشت عمومی نیز این چنین باشد، فرد نخبه ممکن است تصمیم به مهاجرت به مکانی بگیرد که فضای عمومی اجتماعی در آن جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قائل است.

چالش منزلت نخبگان هم‌اکنون در دستور کار نظام‌های مدیریتی است تا بتوانند نخبگان متخصص را حفظ کنند. سازمان‌های بزرگ و بوروکراسی‌های ناتوان، سرآمدان را تحقیر می‌کنند و امنیت شغلی آن‌ها را به خطر می‌اندازند (ذاکرسالحي، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

۱۴. نظریه جاذبه-دافعه^۲

مطابق این دیدگاه که توسط اورت لی^۳ مطرح شده است. چهار دسته از عوامل، بر مهاجرت و از جمله مهاجرت متخصصان تأثیرگذار هستند:

1. social status

2. pull-push

3. E. Lee

۱. عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارند (عوامل دافعه).

۲. عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند (عوامل جاذبه).

۳. عوامل شخصی.

۴. موانع بازدارنده.

برآیند این چهار دسته عوامل تصمیم شخص را برای مهاجرت رقم می‌زند. افرادی که در یک حوزه زندگی می‌کنند آشنایی بلاواسطه و غالباً بلندمدتی را با حوزه زندگی خویش دارند و معمولاً قادرند که دآوری‌های صبورانه‌ای را در مورد آن‌ها در نظر داشته و رسیدگی کنند. برای برخی تخصص‌ها که تقاضا برای آن‌ها در مبدأ کم ولی در مناطق بزرگ بسیار است، مهاجرت یک اجبار می‌شود. بنابراین مهندسان و اساتید نیز مهاجرت می‌کنند. (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸).

در مجموع نظریه «جاذبه-دافعه» به دلیل فراگیری و شمولی که دارد می‌تواند همه نظریات یاد شده را در خود جای دهد. از طرفی برخی از رویکردهای ذکر شده مانند بازار کار دوگانه یا نظام آموزش اقتصاسی یا بحران منزلتی تنها قادر است پدیده فرار مغزها را برای کشورهای جهان سوم توضیح دهد و مسئله مهاجرت متخصصان از کشورهای توسعه یافته‌ای چون کانادا، انگلستان و فرانسه به ایالات متحد بی‌پاسخ می‌ماند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی است و در آن از فراتحلیل استفاده شده است. داده‌های کیفی به صورت توصیفی طبقه‌بندی و ارائه شده‌اند. همچنین تلاش شده است تصویر کلان فراتحلیل از طریق استخراج و تدوین برخی نکات به صورت داده‌های کمی توصیفی بیان شوند. فراتحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست... در روش فراتحلیل ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماوراء و فراتر از کل اولیه می‌رسیم، سپس تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند (دلاور، ۱۳۷۶: ۲۸۸).

آنچه که بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌هایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نظر

روش شناختی نیز فرا تحلیل می‌تواند به روشنی خلأها و مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان دهد. در حقیقت پایایی^۱ این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی^۲ آن‌ها از طریق آزمون سازگاری آن‌ها با واقعیت‌ها به دست می‌آید و هر دو این‌ها مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فرا تحلیل است. (Scherpenzeel, ۱۹۹۷: ۳۴۱).

با توجه به نکات یاد شده، یافته‌های پژوهشی حاضر نیز نتیجه انباشت، ترکیب و تلفیق نتایج تک‌تک پژوهش‌های انجام شده در قلمرو موضوع معین تحقیق یعنی «راهکارهای توسعه نیروی انسانی نخبه و پیشگیری از فرار مغزها» است.

برای ساماندهی این تحقیق پس از مراجعه به کتابخانه‌های دانشکده‌های علوم انسانی و مرکز اسناد و مدارک علمی کشور و پایگاه‌های اینترنتی نشریات علمی داخل کشور و جست و جوی آزاد در شبکه اینترنت ۴۸ اثر علمی داخل کشور شامل کتاب، طرح پژوهشی و پایان‌نامه - مقاله انتخاب، تهیه و مطالعه گردید (فهرست این آثار به پیوست می‌باشد). ابزار فرا تحلیل پرسشنامه‌ای است که مشتمل بر ده مؤلفه روش‌شناختی و چهار مؤلفه محتوایی است. پس از تلخیص این آثار در قالب پرسشنامه‌ها نسبت به کدگذاری و حاشیه‌نویسی آن‌ها اقدام و سپس نسبت به ارزیابی و فرا تحلیل آثار در مؤلفه‌های گوناگون اقدام گردید. اکنون یافته‌های توصیفی در دو بخش ارائه می‌شود:

بخش اول

بررسی مؤلفه‌های شکلی و روش‌شناسی

۱. معرفی قالب آثار علمی

آثار مورد مطالعه مشتمل بر ۱۹ پژوهش، ۲۳ مقاله و ۶ کتاب است. به نظر می‌رسد نسبت موجود نسبتی منطقی باشد. شایان توضیح است که تعداد مقالات منتشره شده در زمینه موضوع تحقیق چندین برابر آثار مورد مطالعه است. اما سه گروه از این آثار در حوزه‌های نخبگان سیاسی دوره پهلوی، نخبگان ورزشی و هنری و تیزهوشان از میدان مطالعه خارج شدند. همچنین مقالات با کیفیت پایین که حداقل چارچوب‌های علمی لازم را نداشتند حذف گردیدند.

۲. پراکندگی موضوعی آثار علمی

در این بخش با عدم توازن در موضوعاتی که محققان به آن‌ها علاقه نشان داده‌اند مواجه‌ایم. ۲/۵۶ درصد آثار علمی به بررسی «علل فرار مغزها و آثار این پدیده» اختصاص یافته است. در مرتبه دوم با شکاف زیاد، ۶/۱۶ درصد آثار علمی مسئله «جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص» را به عنوان موضوع مورد توجه قرار داده‌اند.

جدول ۱. پراکندگی موضوعی آثار علمی

ردیف	موضوع تحقیق	فراوانی	درصد
۱	بررسی علل فرار مغزها و آثار آن	۲۷	۵۶/۲٪
۲	جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص	۸	۱۶/۶٪
۳	بررسی نگرش یا گرایش به مهاجرت (نخبگان)	۴	۸/۳٪
۴	اجتماع علمی و رابطه آن با نخبگان	۲	۴/۱٪
۵	بررسی نگرش نسبت به نخبه پروری نخبگان	۲	۴/۱٪
۶	بررسی ابعاد کمی مهاجرت نخبگان	۱	۲٪
۷	نقش و رابطه دولت، قوانین، دانشگاه‌ها با نخبگان	۴	۸/۳٪
جمع		۴۸	۱۰۰٪

۳. دوره زمانی انتشار تحقیق و اثر علمی

روند تاریخی پدیده مهاجرت نخبگان در کشور ما شامل سه دوره مشخص است:

۱. دهه ۴۰ و ۵۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی که مقارن با باز شدن باب مرآده با غرب، سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته، افزایش ثروت‌های نفتی و... بود.
۲. مقطع سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ تا ابتدای جنگ تحمیلی که به‌طور عمده طیف ناراضیان از انقلاب اسلامی را شامل می‌شد و با تعطیل شدن دانشگاه‌ها در دوره انقلاب فرهنگی تشدید گردید.

۳. موج جدید مهاجرت نخبگان که از سال ۱۳۶۷ آغاز شد و از سال ۱۳۷۷ تاکنون شتاب بیشتری گرفته است (ذاکر صالحی، ۱۳۷۹: ۵).

نکته جالب در این است که اکثریت قریب به اتفاق آثار علمی داخل کشور در این زمینه همزمان با موج سوم مهاجرت نخبگان به رشته تحریر درآمده است. (یعنی ۸۹/۵ درصد) علت آن می‌تواند گسترده‌تر بودن موج جدید از نظر کمی و کیفی و همچنین تربیت طیف وسیعی از

تحصیل کردگان، قلم به دستان و پژوهشگران علوم انسانی باشد. مقطع سال‌های ۶۷ تا ۷۵ با ۶/۲٪ در رتبه دوم و مقطع سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ با ۴/۱٪ در رتبه سوم قرار دارد.

۴. میزان همکاری محققان در تهیه اثر

حاکمیت روحیه فردگرایی در تولید آثار علمی مربوط به جذب یا مهاجرت نخبگان کاملاً مشهود است. زیرا ۸۳/۳ درصد این آثار تنها توسط یک پدیدآورنده تولید شده است. میزان هم‌پژوهی و هم‌نویسی در این آثار تنها ۶/۲٪ (برای آثار دارای بیش از دو نفر نویسنده و محقق) است. این نسبت تقریباً با تحقیقات قبلی در این زمینه مشابهت و سنخیت دارد. در تحقیق دکتر صدیق سروسستانی میزان هم‌نویسی کتاب در ایران در سال ۱۳۶۳، ۸/۴٪، در سال ۱۳۷۳، ۱۰/۳٪ و در سال ۱۳۷۹، ۱۵/۴٪ بوده است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

۵. قلمرو رشته‌ای آثار علمی

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۵ به راحتی می‌توان به ماهیت میان‌رشته‌ای و چند وجهی پدیده مورد مطالعه پی برد. نخست آنکه ۲۵٪ این آثار مستقلاً تعلق به رشته علمی خاصی ندارند و ثانیاً بقیه این آثار در ۹ شاخه و رشته مختلف علوم انسانی، فلسفه و پزشکی پراکنده‌اند. این تنوع هم می‌تواند بر ماهیت میان‌رشته‌ای و متضلع این موضوع مطالعاتی گواهی دهد و هم علاقه‌مندی محققان مختلف را به کنکاش در این پدیده نشان دهد.

جدول ۲. قلمرو رشته‌ای آثار علمی

ردیف	موضوع تحقیق	فراوانی	درصد
۱	میان‌رشته‌ای	۱۲	۲۵
۲	مدیریت	۱۱	۲۲/۹
۳	جامعه‌شناسی	۱۱	۲۲/۹
۴	اقتصاد	۶	۱۲/۵
۵	علوم سیاسی	۲	۴/۱
۶	علوم تربیتی و روان‌شناسی	۲	۴/۱
۷	فلسفه	۱	۲
۸	حقوق	۱	۲
۹	جغرافیا	۱	۲
۱۰	پزشکی و بهداشت	۱	۲
جمع		۴۸	
		۱۰۰	

۶. روش تحقیق آثار

روش تحقیق انتخاب شده در آثار، در بیش از ۶۰ درصد موارد (با فراوانی ۲۹ اثر) روش نظری و کتابخانه‌ای است. این وضعیت در بیشتر آثار علوم انسانی در ایران مشاهده می‌شود. چنانچه پژوهش‌های نظری در این زمینه دارای استاندارد کیفی و عمیق باشند این وضعیت فی‌نفسه نمی‌تواند منفی تلقی شود. بررسی‌های آماری نیز ۴/۱ درصد آثار را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که مسئله مورد بحث به نوعی از مسایل نیروی انسانی تلقی می‌شود و نیازمند بررسی‌های عمیق آماری است. بدون بررسی‌های عمیق آماری اصولاً وجه مسئله‌ای و پروبلماتیک قضیه مبهم می‌ماند.

در مجموع میزان پژوهش‌های آماری در این زمینه بسیار اندک است. فقدان آمار به‌هنگام در این زمینه هرگونه پژوهش در این باب را نیز بی‌اثر یا کم‌اثر می‌سازد.

جدول ۳. روش تحقیق اتخاذ شده در آثار علمی

درصد	فراوانی	روش تحقیق
۶۰/۴	۲۹	نظری، کتابخانه‌ای
۲۹/۱	۱۴	پیمایشی
۶/۲	۳	بررسی آماری
۱/۴	۲	ترکیب نظری کتابخانه‌ای و پیمایشی
٪۱۰۰	۴۸	جمع

۷. میدان مطالعه

۶۰/۴ درصد مطالعات به صورت اسنادی و نظری بوده و میدان مطالعه آن‌ها «اسناد و مدارک» است. در رتبه دوم با سهم ۲۷ درصد مطالعاتی قرار دارد که میدان مطالعه خود را «سازمان/ نهاد/ دانشگاه» قرار داده‌اند. رتبه سوم با ۱۰/۴ درصد به مطالعات در سطح ملی (کشور) اختصاص دارد. در قلمرو استانی متأسفانه هیچ مطالعه‌ای توسط محقق یافت نشده است.

۸. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات

مطالعه و فیش‌برداری با ۶۰/۴ درصد، متداول‌ترین تکنیک جمع‌آوری اطلاعات و در رتبه دوم پرسشنامه با ۱۸/۷ درصد قرار دارد. استفاده توأم از پرسشنامه و مصاحبه با ۱۲/۵ درصد در

رتبه سوم قرار دارد. علی‌رغم نقش مؤثر مصاحبه در مطالعات اجتماعی و کیفی تنها در یک مورد از مصاحبه به عنوان روش جمع‌آوری اطلاعات استفاده به عمل آمده است.

۹. وضعیت فرضیه‌ها در ۱۹ طرح پژوهشی

از ۱۹ پژوهش مورد بررسی، ۶ مورد آن‌ها (۳۱/۶ درصد) فاقد فرضیه‌سازی بوده است که اهتمام کم محققان را به داشتن فرضیه در پژوهش‌ها نشان می‌دهد. مجموع فرضیه‌های کل پژوهش‌ها ۹۴ فرضیه بوده است که از این تعداد فقط ۴ فرضیه اثبات شده است. یعنی ۹۶٪ فرضیه‌های پژوهشی اثبات شده‌اند. این میزان می‌تواند بیانگر دو مسئله باشد:

الف. این مطالعات به پشتوانه یک چارچوب نظری قوی شکل گرفته‌اند و فرضیه‌ها عمدتاً از درون آن چارچوب مشخص استخراج شده‌اند لذا مصادیق متنوع آن آموزه نظری مکرراً تأیید شده است. این آموزه نظری در موضوع نخبگان، نظریه جاذبه-دافعه بوده است. فرضیه‌های ناظر به تأثیر عوامل جاذبه در مقصد و عوامل دافعه در مبدأ همگی اثبات شده است.

ب. پژوهش‌ها فرضیه‌های خود را به صورت تقلیدی از مطالعات دیگران اخذ و اقتباس کرده و فرضیه‌ها تکراری است. در پژوهش‌های حاضر این مشکل تا حدی وجود دارد. به‌ویژه در مطالعات مربوط به بررسی علل و عوامل مهاجرت نخبگان و مبحث جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص برخی فرضیه‌ها تکرار شده است.

۱۰. تکنیک‌های تجزیه و تحلیل

تکنیک‌های تجزیه و تحلیل را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد.

الف. تکنیک‌های آمار توصیفی

در هشت مورد از پژوهش‌ها از تکنیک‌های توصیفی چون فراوانی، درصد، میانگین و... استفاده شده است.

ب. تکنیک‌های آمار استنباطی و تبیینی معمولی

در این تکنیک‌ها محقق رابطه بین متغیرها را دو به دو و به صورت ساده بررسی و رابطه‌سنجی می‌کند. در مطالعات مورد بررسی در ۱۶ مورد از ضرائب همبستگی F و T و کندان و پیرسون آزمون فی دو - تجزیه و تحلیل واریانس - تحلیل عاملی و... استفاده شده است. ج. تکنیک‌های پیشرفته‌تر

در گروه سوم محقق مجموعه‌ای از متغیرها را به‌طور همزمان بررسی و کنترل می‌کند مانند رگرسیون و تحلیل مسیر. متأسفانه تنها در ۲ مورد، محققان از این تکنیک‌ها استفاده کرده‌اند. یک مورد رگرسیون ساده و یک مورد رگرسیون چندمتغیره. این نکته نشان می‌دهد روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در این مطالعات از تکامل و بلوغ لازم برخوردار نبوده است.

بخش دوم

بررسی جنبه‌های محتوایی

در این بررسی چهار مؤلفه اساسی محتوایی آثار علمی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

۱. اهداف تحقیق

۲. مبانی نظری

۳. نتایج

۴. راهکارها

در فراتحلیل کیفی آنچه بیش از همه مهم است کشف تئوری بنیادین مشترک در اکثر مطالعات است. از این‌رو توجه ویژه‌ای به این نکته خواهیم داشت.

از سوی دیگر پس از استخراج و کشف این تئوری باید لوازم اجرایی تحقق آن را که با اصل تئوری سنخیت داشته باشد تدوین نمود.

اکنون شش مبحث کلیدی را در ارتباط با فراتحلیل محتوای آثار مورد بحث قرار می‌دهیم. (برای اختصار جداول حذف شده است)

۱۱. تناسب نتایج با اهداف پژوهش

معمولاً محققان در بیان اهداف گرفتار عبارات کلی و پرجاذبه‌ای می‌شوند که در عمل چارچوب‌ها و محدودیت‌های تحقیق، اجازه نیل به آن اهداف را نمی‌دهد. بیان چنین اهداف دست‌نیافتنی موجب عدم سازگاری نتایج و سایر اجزاء تحقیق با هدف تحقیق شده و به اعتبار و انسجام پژوهش لطمه می‌زند.

در مطالعات مورد بررسی نیز متأسفانه در ۵۳ درصد موارد این معضل به چشم می‌خورد. تنها در ۳۷ درصد پژوهش‌ها این انطباق و سازگاری وجود دارد.

۱۲. بررسی میزان اشتراک در تئوری و آموزه‌های نظری

اساسی‌ترین اقدام در فراتحلیل کیفی کشف و استخراج تئوری مشترک در مطالعات مورد بررسی است. در برخی از آثار به صورت شفاف با یک تئوری به عنوان پشتوانه تحقیق برخورد نکردیم اما آموزه‌ها و مطالبی وجود داشت که جنبه تئوریک داشت از این رو این آموزه‌ها را نیز گردآوری و تلخیص کردیم زیرا در این آثار محقق با طرح این ایده‌های نظری به گونه‌ای در فرآیند کار علمی خود آن‌ها را دخالت داده است.

۶٪ از آثار مورد مطالعه فاقد تئوری و حتی هرگونه آموزه نظری بوده‌اند. بقیه آثار را از حیث این مؤلفه می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

الف. آثاری که مستقیماً از تئوری جاذبه -دافعه استفاده و به آن تأکید نموده‌اند. این آثار ۶/۳۹ درصد مجموعه را تشکیل می‌دهند.

ب. آثاری که می‌توان آن‌ها را به تئوری جاذبه -دافعه منتسب نمود. در این آثار از این تئوری مستقیماً نام برده نشده است اما آموزه‌های آن مبتنی بر توسعه جاذبه‌های اجتماعی و فرهنگی و شغلی در کشور و ایجاد ظرفیت برای جذب نخبگان و متخصصان در سازمان‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است. این آثار به شکاف‌ها، عدم تعادل‌ها و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی در داخل کشور پرداخته و به نوعی بیان می‌کنند که زیست‌بوم مناسب برای نخبگان و نیروی انسانی متخصص در کشور فراهم نیست.

تئوری جاذبه -دافعه به دلیل ویژگی شمول و فراگیری که دارد می‌تواند کلیه این آموزه‌های نظری را در دل خود جای دهد.

ج. آثاری که به سایر تئوری‌ها و آموزه‌های نظری گرایش دارند. مانند مطالعه تیموری (۱۳۷۹) که به نقد نظریه نخبه‌پروری و مشکلات آن در ایجاد عدم تعادل در نظام قشریندی پرداخته است. در مقالات قانعی‌راد (۱۳۸۱) و زند (۱۳۷۴) نیز موضوع نخبگان از زاویه نگرش به اجتماع علمی و هنجارهای حاکم بر آن مورد بررسی قرار گرفته و پدیده مهاجرت نخبگان با میزان نهادینه شدن علم هم‌بسته تلقی شده است.

۶/۳۹ درصد آثار مبتنی بر تئوری جاذبه -دافعه و ۴/۳۷ درصد مبتنی بر آموزه‌های نظری مشابه و مرتبط با آن بوده‌اند. در درجه سوم ۶/۱۶ درصد آثار به سایر تئوری‌ها تکیه کرده‌اند. بنابراین اکثریت قابل توجهی از آثار علمی مورد بررسی یعنی ۷۷ درصد، در تئوری جاذبه -دافعه به گونه‌ای اشتراک محتوایی دارند. لذا می‌توان نتیجه گرفت این تئوری در مطالعات موردنظر جنبه «بنیادین» و «معنایی» دارد.

۱۳. آموزه‌های نظری تازه

در هشت مورد از آثار علمی، آموزه‌های نظری جالب توجهی مشاهده می‌شود که تلاش می‌کنیم تا جایی که تعارض و منافاتی وجود نداشته باشد در مبحث تدوین راهکارها به عنوان مکمل از آن‌ها استفاده کنیم.

تئوری بنیادین ما تئوری جاذبه -دافعه است، اما در کنار آن می‌توان از تئوری چرخش مغزها^۱ که در آثار طایفی و فراهانی (۱۳۸۰)، داوری (۱۳۸۲)، و امیرخانی (۱۳۸۴) به آن‌ها تأکید شده است، بهره گرفت. چرخش مغزها از طریق تسهیل مرادفات علمی و فنی به نوعی می‌تواند جاذبه‌آفرین بوده و از دافعه‌های موجود بکاهد. بنابراین آموزه چرخش مغزها می‌تواند در راهکارها مورد توجه ویژه قرار گیرد. سایر آموزه‌های ذکر شده نیز منافاتی با روح کلی تئوری بنیادین اتخاذ شده ندارند.

جدول ۴. میزان آموزه‌های نظری تازه‌تر و نکات مورد تأکید آن‌ها

شماره ستد	پدیدآورنده	آموزه نظری
۱۰۹	تیموری، عباس ۱۳۷۹	نقد نظریه و پدیده نخبه‌پروری
۱۱۱	طایفی، علی؛ فراهانی‌راد، مجید؛ ۱۳۸۰	نظریه چرخش مغزها مبتنی بر جهانی شدن
۱۱۳	خسروخواهر، فرهاد ۱۳۸۲	شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری اجتماع علمی و رابطه آن با جذب یا مهاجرت بازیگران علم
۲۰۲	قانع‌راد، محمدامین، ۱۳۸۱	ارتباط مهاجرت نخبگان با میزان نهادینه‌شدن علم در جامعه
۲۰۷	زلفی‌گل، محمدعلی، ۱۳۸۳	مهاجرت ژن‌های هوشمند و به هم ریخته‌شدن تعادل جهانی ژن‌های هوشمند
۲۱۰	داوری، رضا، ۱۳۸۲	جهان‌وطنی بودن علم و مهاجرت دانش به موطن اصلی تمرکز و درهم‌آمیختگی علم و تکنولوژی
۲۲۰	قانع‌راد، محمدامین، ۱۳۸۳	عدم توازن بین توسعه آموزش عالی و توسعه اقتصادی، توزیع نامتوازن آموزش عالی
۳۰۵	امیرخانی، رضا، ۱۳۸۴	فرار مغزها به مثابه یک فرآیند تکوینی و طبیعی مشابه نشست‌نشاء در کاشت برنج

۱۴. میزان ارتباط و تناسب راهکارها و پیشنهادات

راهکارها و پیشنهادات مندرج در آثار حاوی ایده‌ها و نکات جالبی هستند، در عین حال که منطقی و یکدستی لازم را ندارند. آنچه پیشنهاد شده است گاهی هدف و گاهی سیاست و در مواردی یک اقدام اجرایی است. همچنین در این رابطه چند نقیصه مشهود است:

۱. اکثر راهکارها متخذ از درون تحقیق و نتایج آن نیست.
 ۲. تعداد راهکارها زیاد است و رابطه منطقی و منظومه‌ای بین آن‌ها وجود ندارد.
 ۳. بسیاری از راهکارها و پیشنهادات ربطی به هدف تحقیق ندارد.
 ۴. راهکارها عموماً کلی، مبهم و غیرقابل اجرا هستند.
- این فرا تحلیل نشان داد که ۳۰ درصد راهکارها غیر مرتبط با هدف تحقیق بوده و تناسبی با آن ندارند. ۱۲٪ مطالعات نیز راهکار و پیشنهادی ارائه نکرده‌اند.

۱۵. میزان قابل اجرا بودن راهکارها و پیشنهادات

در مجموعه این مطالعات ۲۵۵ راهکار و پیشنهاد ارائه شده است. با عنایت به کدبندی صورت گرفته ۷۲ درصد این مجموعه پیشنهادات از قابلیت اجرایی اندکی برخوردار بوده و به صورت کلی ارائه شده‌اند. ۲۸ درصد پیشنهادات نیز اجرایی و عملیاتی بوده‌اند.

۱۶. طبقه‌بندی سطوح پیشنهادات و راهکارها

رتبه‌بندی پیشنهادات از نظر سطح اجرای پیشنهاد به ترتیب عبارت است از سطح ملی و کلان، سطح میانی (سازمان‌ها و نهادها)، سطح بین‌المللی و سطح خرد (بازیگران). چنانچه بخواهیم نتایج جمع‌بندی راهکارهای ارائه شده در مطالعات مورد بررسی را ملاک تدوین راهکار قرار دهیم می‌بایست بر سطح ملی یعنی هدف‌گیری مسائل داخل کشور اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مسایل مربوط به جامعه و دولت، تمرکز کنیم و اولویت نخست را به آن‌ها اختصاص دهیم. سپس در مرتبه دوم می‌بایست رفع مشکلات سازمان‌ها و ارتقاء ظرفیت جذب نخبگان در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی را هدف‌گیری نماییم.

جدول ۵. طبقه‌بندی سطوح پیشنهادها و راهکارها

سطح	تعداد پیشنهاد	نمونه پیشنهادها
بین‌المللی	۶	– کاهش تفاوت فاحش اقتصادی، اجتماعی و علمی بین کشورها – پیشنهاد دفتر بین‌المللی کار مبنی بر انعقاد موافقت‌نامه بین کشورهای مبدأ و مقصد

ادامه جدول ۵.

سطح	تعداد پیشنهاد	نمونه پیشنهاد
ملی-کلان	۱۹۰	<p>– تبدیل همکاری دولت‌ها به همکاری بین دانشگاه‌ها</p> <p>– انتقال دانش از طریق اتباع مهاجر در قالب طرح تاکتن سازمان ملل</p> <p>– ترمیم ساختار مدیریتی کشور در جهت تحقق نقشه جامع علمی کشور</p> <p>– ارتقاء سطح درآمدی نخبگان علمی در مقایسه با گروه‌های پول‌ساز</p> <p>– احترام به آزادی‌های فردی و حفظ منزلت علم و عالم</p> <p>– ایجاد ثبات و آرامش و نهادینه شدن قانون‌گرایی</p> <p>– تأسیس سازمان متولی امور نخبگان</p> <p>– ایجاد تناسب بین شغل تحصیل و درآمد افراد متخصص و نخبه و حاکمیت شایسته‌گزینی</p> <p>– ایجاد پیوند بین دانشگاه‌ها و متخصصان مراکز علمی با دستگاه‌های اجرایی و صنعتی (تعمیق رابطه صنعت و دانشگاه)</p> <p>– تمهید بانک‌های اطلاعات علمی و پایگاه نمایه‌سازی علم و فن بومی و ارتباط آن با نخبگان</p> <p>– و...</p>
میانی (سطح سازمان)	۵۴	<p>– متعادل و منطقی‌سازی پرداخت حقوق و مزایا</p> <p>– ارتقای سطوح انگیزشی مشاغل تخصصی مانند توسعه قلمرو شغل، غنی‌سازی شغلی و گردش شغلی</p> <p>– ارزشیابی عملکرد صحیح و مستمر و تقدیر از عملکرد مطلوب کارکنان</p> <p>– تلطیف و مناسب‌سازی محیط‌های کاری برای متخصصان</p> <p>– ارتقاء کیفی سطح خدمات رفاهی، بهداشتی، ورزشی</p> <p>– تلاش برای افزایش سطح رضایت شغلی کارکنان متخصص</p> <p>– و...</p>
خرد (بازیگران)	۵	<p>– مبارزه با روحیه فردگرایی و ارتقاء همکاری بین محققان</p> <p>– رفع احساس از خود بیگانگی در دانشمندان جوان و ارتقاء کنشگری آنان در سطح اجتماعی</p> <p>– توسعه درک متقابل بین پژوهشگران و نخبگان و سیاستمداران و جامعه</p> <p>– ارتقاء هنجارهای اجتماع علمی در بین دانشمندان از قبیل بی‌طرفی، شک سازمان‌یافته، عام‌گرایی و اشتراک‌گرایی</p>
جمع	۲۵۵	

نتیجه گیری

هدف فرا تحلیل حاضر نیل به نتایج کلی و کاربردی از طریق ترکیب منابع و مطالعاتی است که در داخل کشور در زمینه «جذب نخبگان و پیشگیری از فرار مغزها» صورت گرفته است.

این فرا تحلیل که از طریق بررسی و ارزیابی ۴۸ اثر علمی انجام شد دو بُعد روش شناختی و محتوایی را مد نظر قرار داد. در بُعد روش شناختی نتایج نشان داد که مطالعات مورد بررسی در عین حال که انباشت خوبی از ایده‌های نظری و راهکارهای عملی را ارائه می‌کنند دارای اشکالات و نواقص متعددی هستند از جمله: عدم سازگاری بین اهداف، چارچوب نظری، روش تحقیق، نتایج و راهکارها - بدیهی بودن بسیاری از فرضیه‌ها - عدم استفاده از تکنیک‌های پیشرفته تجزیه و تحلیل - مناسب نبودن حجم نمونه - اتکا به روش‌های نظری و...

از جنبه محتوایی نیز این فرا تحلیل پس از آسیب شناسی مختصر مطالعات و مشخص کردن مشکلاتی چون عدم تناسب نتایج با اهداف پژوهش، ضعف ارتباط و تناسب راهکارها با هدف تحقیق و... در جست و جوی تئوری مشترک و بنیادین تحقیق برآمد. در این بررسی مشخص گردید ۳۹/۶ آثار مبتنی بر تئوری جاذبه - دافعه و ۳۷/۴ درصد مبتنی بر آموزه‌های نظری مشابه و مرتبط با آن بوده‌اند. در درجه سوم ۱۶/۶ درصد آثار به سایر تئوری‌ها تکیه کرده‌اند که آن‌ها نیز عمدتاً تعارضی با گروه اول و دوم نداشته و به دلیل وسعت و قابلیت فراگیری که تئوری جاذبه - دافعه دارد می‌توان از آموزه‌های آن‌ها چون مبحث «چرخش مغزها» به عنوان مکمل بهره گرفت.

در زمینه راهکارهای پیشنهادی، این تحقیق نشان داد که ۷۲٪ از ۲۵۵ پیشنهاد ارائه شده، کلی و تنها ۲۸٪ آن‌ها ماهیت اجرایی دارند. سپس این راهکارها به چهار سطح بین‌المللی، ملی (کلان) میانی (سازمانی) و خرد (بازیگران) تقسیم گردید. در این میان تأکید اصلی محققان بر راهکارهای سطح ملی (جامعه - کشور - دولت) بوده است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر دو پیشنهاد جهت پیگیری توصیه می‌شود. یک مورد از این پیشنهادات ماهیت مطالعاتی و مورد دیگر اجرایی است.

۱. با عنایت به کاستی‌هایی که در فرا تحلیل مطالعات انجام شده مشاهده شده است، انجام یک مطالعه جامع، سیستماتیک و هدفمند با مشارکت پژوهشگران حرفه‌ای‌تر و آشنا تر به فنون تحقیق در زمینه جذب و نگهداشت نخبگان پیشنهاد می‌شود. بدیهی است انجام این مطالعه

بدون حمایت همه جانبه دولت و دانشگاه‌ها میسر نیست.
در این مطالعه جامع چند قلمرو مطالعاتی اولویت خواهد داشت:
- ایجاد یک سامانه آمار و اطلاعات و پایگاه داده در خصوص وضعیت نخبگان ایرانی
- پایش مستمر و طولی وضعیت نخبگان ایرانی با چند شاخص مهم و کلیدی
- ارزیابی علل عدم موفقیت سازمان‌های متولی حمایت از نخبگان در ایران
- انجام مطالعات سیاست پژوهی و تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مناسب با مشارکت خود نخبگان (ذی‌نفعان)

۲. از آن‌جا که نظریه اساسی حاکم بر بیشتر مطالعات، نظریه جاذبه-دافعه بوده است، رکن اصلی سیاست دولت، جامعه و نهادهای علمی و فنی کشور، تقویت مؤلفه‌های جاذبه‌آفرین، رفع موانع مشارکت نخبگان و کاهش دافعه‌های مبدأ خواهد بود. زیرا ایجاد تغییر و تحول در کم و کیف جاذبه‌های مقصد در اختیار نظام برنامه‌ریزی داخل کشور نیست. بنابراین ایجاد یک زیست‌بوم و محیط مناسب و توسعه ظرفیت‌های تخصصی و تمهید زیر ساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، رفاهی، سیاسی، مدیریتی، حقوقی، فنی و اخلاقی... سیاست بنیادینی است که شایسته پیگیری است. برآیند راهکارهای ارائه شده در مطالعات نشان می‌دهد که برای تحقق این منظور، حفظ و ارتقای منزلت نخبگان، ترمیم و بازسازی فضای اعتماد بین نخبگان، جامعه و دولت، ایجاد تقاضای مؤقر و بازار خدمات نخبگان، توسعه مصرف و کاربرد علم، استقلال نهادهای علمی و آزادی علمی و مصادیقی که عمدتاً ناظر به وجه غیر مادی جذب نخبگان است باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، «مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵، ۴۵-۵۰.
- امیرخانی، رضا (۱۳۸۴)، *نشت‌نشا: جستاری در پدیده فرار مغزها*. تهران: فدایانی.
- تیموری، عباس (۱۳۷۹)، «بررسی و مقایسه نگرش متخصصان تعلیم و تربیت و مجریان آموزش و پرورش نسبت به پدیده نخبه‌پروری». پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- داوری، رضا (۱۳۸۲)، «مهاجرت دانشمندان بی‌اهمیت نیست». نامه فرهنگ، ۴۸، ۱۲.
- دلاور، علی (۱۳۷۶)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران، انتشارات رشد.
- ذاکرسالحي، غلامرضا (۱۳۷۹). *مهاجرت نخبگان*. دفتر مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری.
- ذاکرسالحي، غلامرضا (۱۳۸۳)، *دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*، انتشارات کویر.
- زند، حبیب‌اله (۱۳۷۴)، «اجتماع علمی»، *فصلنامه راهبرد*، ۸، ۷۱.

- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۱۰، ۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۰)، «هم‌پژوهی و هم‌نویسی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ۱۸، ۱۱۰.
- طایفی، علی، و فراهانی‌راد، مجید (۱۳۸۰)، بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن. تهران، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری.
- قانع‌ی‌راد، محمدمبین (۱۳۸۱)، «انهادینه شدن علم: نگهداری و استقرار مغزها»، فصلنامه رهیافت، ۲۸.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.
- مرجایی، سیدهادی (۱۳۸۳)، نقش محوری سرمایه و شرایط اجتماعی در حفظ و نگه‌داشت نخبگان، گزارش طرح پژوهشی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- مسی، داگلاس (۱۳۶۴)، «نظریه‌های مهاجرت بین‌المللی، بازنگری و ارزشیابی»، ترجمه پردخت وحیدی. گزیده مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی. ۱۴۳، ۹۴.
- منصوری، رضا، (۱۳۷۳)، توسعه علمی ایران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- نراقی، احسان (۱۳۵۶)، جامعه جوانان: دانشگاه، انتشارات کتاب‌های جیبی.

منابع فارسی انگلیسی‌نویسی شده

- AmirKhâni, R. (1384). Našt-e neša: Jostâri dar padide-ye farâr-e maqzhâ (Leak unhusked rice. Tehran: Qadyâni (In persian).
- Dâvari, R. (1382). Mohâjerat-e dânešmandân bi ahamiyat nist (Scientists's migration is not unimportant). *Nâme-ye Farhang*, 48, 12 (In persian).
- Delâvar, A. (1376). *Mabâni-ye nazari va amali-yepažohesh dar oloom ensâni va ejtemâee*. (Theoretical & practical bases on research in humanism & social science). Tehran: Enteshârât-e Rošd (In persian).
- Eršad, F. (1380). Mabâni-ye nazari-ye farâr-e maqzhâ bar hasb-e šeklha-ye ,mokhtalef-e ân dar šarâyet-e kononi (Theoretical bases of brains drain on its various forms in present situation). *Nâme-ye Anjoman-e Jâmeešenâsi-ye Iran*, 5, 45-50, (In persian).
- LahsaiZade, A. A. (1368) Nazariyât-e mohâjerat (Migration's theories). Shirâz: Enteshârât-e Navid (In persian).
- Marjâie, H. (1383). *Naqš-e mehvari-ye sarmâye va šarâyet-e ejtemâee dar hefz va negahdâšt-e nokhbeğân* (Capital pivotal defect & social conditions in elites maintenance). Research report, *Moasese-ye pažohesh va barnâmerizi-ye âmoozesh âli* (In persian).
- Masi, D. (1364). *Nazariyehâie mohâjerat bainolmelali, bâznegari, va arzešyabi* (Persian translation of Theories of international migration, reviews & assess). Translated by Paridokht Vahidi. *Gozide-ye Masâyel-e Stâsi, Eqtesâdi, Ejtemâee*, 143, 94.
- Mansouri, R. (1373). *Tosee-ye elmi dar Iran* (Scientific development in Iran).

- Entešârât-e Komision-e Melli-ye UNESCO dar Iran (In persian).
- Narâqi, E. (1356) *Jamee-ye javânân*: (Youth society). Entešârât-e Ketâbhâ-ye Jibi (In persian).
- Qânee-ye Râd, M. A. (1381). Nahâdine šodan-e elm: Negahdâri va esteqrâr-e maqzhâ (Institutionalization of Science: Brains's maintenance & pitch). *Faslnâme-ye Rahyâft*, 28 (In persian).
- ŠareePour, M. (1380). Farsâyesh sarmâye-ye ejtemâee va payâmadhâ-ye ân (Society capital erosion & its results). *Nâme-ye Anjoman-e Jâmeešenâsi-ye Iran*, 3, 110, (In persian).
- Sediq-e Sarvestâni, R. (1380). Hampažohi va hamnevisi dar Iran (Co-researching & co-writing). *Nâme-ye Oloom-e Ejtemâee*, 18, 110 (In persian).
- Taimoori, A. (1379). *Barresi va moqâyese-ye negâresh-e motakhasen-e taalim va tarbiyat va mojriyân-e âmoozesh va parvareh nesbat bepadide-ye nokhbeh parvari*. (Survey & comparison on educational proficients & managers on elite growing phenomenon). Unpublished master's dissertation, Tarbiyat Moalem University (In persian).
- Tâyefi, A., & Farâhâni Râd, M. (1380). *Barresi-ye elal-e khoroj-e niroohâ-ye motakhasen az kesvar va râhkârâ-ye kâhes-e ân* (Survey on professional's exit from country & solution for reducing it). Tehran: Vezârat-e oloom, tahqiqât, va fanâvari (In persian).
- ZâkerSâlehi, Q. R. (1383). *Dânešgâh-e Irani: Darâmadi bar jâmeešenâsi-ye âmoozesh-e âli* (Iranian university: Introduction on sociology of higher education). Entešârât-e Qavir (In persian).
- ZâkerSâlehi, Q. R. (1379). Mohâjerat-e nokhbegân (Elits's migration). Daftar-e motâlêate farhangi-ye vezârat-e oloom, tahqiqât, va fanâvari (In persian).
- Zand, H. (1374). Ejtemâee elmi (Scientific community). *Faslnâme-ye Râhbord*, 8, 71, (In persian).

منابع لاتین

- Vas Zoltan, P. (1970), *The brain drain an anomaly of international relations*. Budapest: Leden Akademia Kiado.
- Sexenian, A. (2000), *Brain drain or brain circulation*, Harvard University: Modern Asia Series.
- Smith, T. 1995, *How well does economic theory explain international migration?* New York: Conference of Immigration.
- Scherpenzeel, A. (1997). The validity and reliability of survey question: A meta-analysis

of MTMM studies. *Sociological Methods and Research*, 25 (3), 341.

Meyer, J. & Mercy, Brown (1999). *Scientific Diasporas: A new approach to the brain drain*. UNESCO: Discussion paper.

غلامرضا ذاکر صالحی، استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش.

email: grsalehi1@yahoo.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی